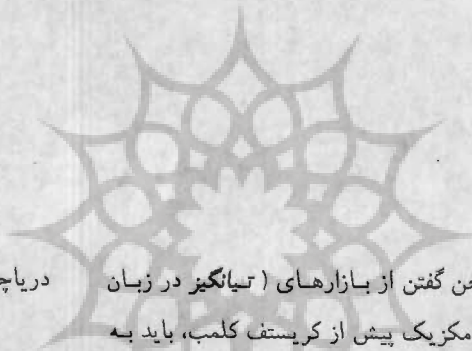


# شکوه و زوال تلاتلولوکو

## در امپراتوری آرتک

ماریا ربکا یوما مدینا  
و لوئیس آلبرتو مارتوس لوپس



دریاچه را برای مبادله به بازارهای بیرون دریاچه ببرند.

### پیدایش تلاتلولوکو

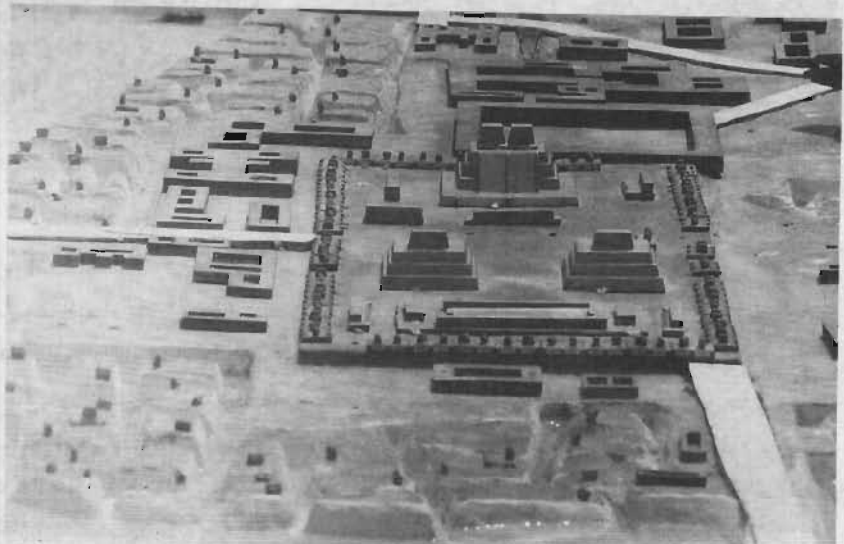
گروهی از آرتکها در سال ۱۳۳۷ در جزیره‌ای در شمال تنوچتیتلان شهری مستقل به نام تلاتلولوکو بنیاد نهادند. آنان نیز با دیگر ساکنان منطقه روابط بازرگانی برقرار کردند. با گذشت زمان بازارهای تنوچتیتلان و تلاتلولوکو توسعه یافت و دو شهر با یکدیگر وارد رقابت شدند. تلاتلولوکو بر اثر موقعیت استراتژیک و شم عالی ساکنانش در تجارت، گوی سبقت را از حریف ربود و آوازه‌ای گسترده یافت.

در آغاز، در بازار تلاتلولوکو تنها فراورده‌های ضروری معامله می‌شد، اما با پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی فراورده‌های تجملی و گرانبه‌تر وارد آن شد و چنان رونق یافت که سازمانی ویژه به نام پوچکا یوتل برای داد و ستد با سرزمینهای دور تشکیل شد. این سازمان شبکه‌ای تجاری ایجاد کرد که تا ایالت‌های امپراتوری مایا گسترش یافت.

در سال ۱۴۷۳ ناگهان اوضاع دگرگون شد. تلاتلولوکو در جنگی وحشتناک از نیروهای تنوچتیتلان شکست خورد و آن شهر شکوهمند یک‌شبه به حومه تنوچتیتلان بدل گشت. اما دشمن پیروزمند که از شهرت و اهمیت این بازار آگاهی داشت، آن را حفظ کرد و با آوردن فراورده‌های کمیاب و

برای سخن گفتن از بازارهای (تیانگیز در زبان نائواتل) مکزیکی پیش از کریستف کلمب، باید به تاریخچه تنوچتیتلان، پایتخت آرتک‌ها، اشاره کنیم که بنا به افسانه‌ها، در سال ۱۳۲۵ در جزیره‌ای کوچک در دریاچه تکس‌کوکو بنیاد گذاشته شد. به علت قرار داشتن شهر در جزیره، ساکنان آن به بهترین شکل به منابع دریاچه دسترسی داشتند اما در عوض از کالاهای اساسی زیادی چون بذر، میوه، سبزی و مهمتر از همه مصالح ساختمانی محروم بودند. در چنین شرایطی مردم تنوچتیتلان ناچار شدند محصولات

ماکت شهر تلاتلولوکو.





تنوچتیلتان، واقع در محل مکزیکوی کنونی، پایتخت امپراتوری آزتک بود. رقیب آن، تلاتلولکو سرانجام به شهری در حومه کلانشهری بزرگ تبدیل شد. از تنوچتیلتان بخشی از دیوارنگاره کاخ ملی مکزیکو اثر دیگو ریورا نقاش مکزیکو (۱۹۵۷-۱۸۸۶). این تصویر جزئی از یک دیوارنگاره درباره تاریخ مکزیک در کاخ ملی مکزیکو است.

ماریا ریبا یوما مدینا و لوئیس آلبرتو ماتوس لوپس  
MARÍA REBECA YOMA  
MEDINA and  
LUÍS ALBERTO MARTOS  
LÓPEZ  
باستان‌شناسان مکزیکو.

گوناگون از دیگر مناطق امپراتوری در توسعه آن کوشید.

### فاتح شگفت‌زده

هنگام فتح مکزیک، بازار تلاتلولکو که در اوج شکوفایی بود اسپانیاییها را شگفت‌زده کرد، زیرا چنان فراوانی و نظمی در هیچیک از بازارهای اروپا دیده نمی‌شد.

به نوشته تاریخنگاران اسپانیایی، میدان بازار در مشرق حصار بزرگ تشریفات، شهر قرار داشت. این میدان، تکه زمینی مربعی به ضلع ۲۰۰ متر و سنگفرش و مسطح با طاقهایی دورتادور بود که مغازه‌ها زیر آنها واقع شده بود. در میانه میدان، هرمی پله‌دار و ناقص به نام *سوموزتلی* وجود داشت که محل برگزاری جشنها، تشریفات و نمایشها بود.

هرناندو کورتس، فاتح اسپانیایی مکزیک، درباره تجارت در تلاتلولکو نوشت: «این شهر دارای میدانهای بسیاری است که تجارت و داد و ستد در آنها یکسره برقرار است. همچنین میدانی به بزرگی دوبرابر شهر سالامانکا وجود دارد که دور تا دور آن طاقدار است و روزانه بیش از هفتاد هزار نفر برای خرید و فروش به آنجا می‌روند.

افزون بر نزدیکی بازار به بارانداز *لا لاغونیا*، محل

پهلوگیری قایقهای حامل کالا، سه جاده نیز آن را با مناطق بیرون دریاچه پیوند می‌دادند.

### تشکیلات بی‌نقص

بازار تلاتلولکو که ویرترین راستین فرآورده‌های بی‌شمار امپراتوری آزتک بود، افزون بر عرضه شگفت‌انگیزترین محصولات از دورترین نقاط امپراتوری — میوه، حیوانات، داروها، پوست، پارچه، ظرفهای سفالی، انواع ابزار و مواد — خدمات مختلفی همچون گرمابه عمومی، غذاخوری، آرایشگاه، باریبری و فروش برده ارائه می‌کرد.

فروشنده‌گان که در زبان رسمی *تلاماکاک* نامیده می‌شدند، معمولاً همان تولیدکنندگان کالا بودند. دلال یا *رگاتونریا* — آن که ارزان می‌خرد تا با افزودن بهره‌ای بفروشد — پدیده‌ای بود که در دوران استعمار ظاهر شد.

معاملات بیشتر پایاپای صورت می‌گرفت، اما برخی کالاها نیز نقش پول رایج را برای مبادله ایفا می‌کردند. یکی از این کالاها، کاکائو بود که به این منظور تحت نظارت کامل دولت در مناطق مخصوصی کشت می‌شد. واحد پایه پرداخت در معاملات کوچک دانه کاکائو و در معاملات بزرگ

## مایه شگفتی اسپانیاییها

از فروشندگان طلا، نقره، سنگهای گرانها، پر، پارچه و پروردی شروع می‌کنم و سپس تاجران دیگر ... برده‌فروشا، تاجرانسی که پارچه‌های معمولی کتان و پارچه‌هایی از نخ تابیده می‌فروختند و تاجرانسی که کاکائو، در میدان، همان کالاهای گوناگونی یافت می‌شد که در سراسر اسپانیای نو و نظمی کامل بر آن همه حکمفرما بود. در زادگاه من، مدینا دل کامبو، نیز درست همین‌طور است و در بازارهای مکاره‌اش هر کالا در همان راسته‌ای فروخته می‌شود که برای آن تعیین شده است. باری، آنهایی که پارچه‌های سیزال<sup>۱</sup>، طناب و کوتاراس (صندل از لیاف سیزال) می‌فروختند، آنهایی که ریشه این گیاه را می‌فروختند که پس از پختن شیرین می‌شود و آنها که فراورده‌های دیگرش را، همه در قسمتی نزدیک یکدیگر مشغول فعالیت بودند. در قسمتی دیگر، پوست شیر، بپر، سمور آبی، شغال، آهو، گورکن و گربه کوهی به فروش می‌رسید. بعضی پوستها دباغی شده و بعضی دباغی نشده بودند.

به قسمت فروشندگان لوبیا و دیگر سبزیها می‌رسیم و بعد فروشندگان مرغ و خروس، بوقلمون، خرگوش، آهو، اردک، سگهای کوچک و غیره که جای ویژه خود را در بازار داشتند. میوه‌فروشا و زنانی که فراورده‌هایی چون خوراکیهای بخته و شیرینهای عسلی و سیرابی می‌فروختند نیز محلی مخصوص داشتند. در بخش ظرفهای سفالی، هر گونه ظرف، از خمیره‌های غول پیکر تا کوچکترین ظرفها موجود بود و در جای دیگر میدان، تاجرانسی به فروش عسل و انواع شیرینی مشغول بودند.

برای برشمردن آنچه در این میدان بزرگ به فروش می‌رفت، باری کلمات کافی نیست، زیرا چنانچه بخواهم همه چیز را با جزئیات توصیف کنم شاید هرگز به پایان حکایتم نرسم. با این همه نمی‌توانم از اشاره به کاغذ، که آمال گفته می‌شد، و نیهای پر از عنبر و توتون و مرهمهای زردرنگی که در قسمتی دیگر از این بازار عظیم فروخته می‌شد، خودداری کنم. فروشندگان گیاهان و دانه‌ها نیز زیر طاقهای بازار به کسب خود سرگرم بودند.

نزدیک بود فراموش کنم که از فروشندگان نمک و چاقوسازهایی نام ببرم که چاقوهای سنگیشان را همان‌جا در حضور مردم می‌ساختند، از زنان و مردان ماهی‌فروش، از فروشندگان نانهایی که از برخی گیاهان دریاچه تهیه می‌شد و مزه آن به مزه پنیرهای ما شباهت داشت، از کسانی که تیرهایی از مفرغ و مس و قلع می‌فروختند، از کسانی که فنجانها و کوزه‌های چوبی نقاشی شده ... و

برنار دیاس دل کاستیو  
Bernal Díaz del Castillo  
فتح اسپانیای جدید (۱۶۳۲)

۱. گیاه بومی مکزیک.



تجارت در تنوچیتلان / پایتخت  
امپراتوری آزتک.  
(بخشی از دیوارنگاره دیگو ریورا در  
کاخ ملی مکزیکو).

کیسه‌های هشت هزار تایی آن بود که خیکسیل نامیده می‌شد. پارچه کتان نیز در قطع دستمال - کواچلی - با سه اندازه مختلف برابر با ۶۵، ۸۰ و ۱۰۰ دانه کاکائو برای معاملات استفاده می‌شد. به‌طور مثال، بهای یک قایق یک کواچلی ۱۰۰ دانه‌ای بود. برده‌ای که آواز می‌خواند ۳۰ کواچلی و برده‌ای که هم رقص و هم آواز می‌دانست ۴۰ کواچلی یا ۴۰۰۰ دانه کاکائو ارزش داشتند.

وسيله‌ای دیگر برای مبادلات، خاکه طلا بود که در ساقه بر ریخته و ارزش آن براساس طول و قطر ساقه تعیین می‌شد. برای پول خرد از سکه‌هایی مسی به شکل حرف T، تکه‌های طلا، مس، مفرغ، تراشه‌های یشم و حتی صدف قرمز رنگ نوعی حلزون استفاده می‌شد که امروزه به نام اسپوندیل شناخته می‌شود.

فعالیت‌های بازرگانی، پیرو قوانینی معین و دقیق بود، زیرا بازار نیز همانند همه نهادهای دیگر در مکزیک آن زمان، باید عملکرد خود را بر اساس اصل «درستی و عدالت» (این کوالی، این یکتلی) تنظیم می‌کرد. به همه فروشندگان با توجه به نوع کالاهایشان، مکانی مناسب در بازار داده می‌شد و هرگونه معامله در خارج از محیط بازار اکیداً ممنوع بود. طنابها و ظرفهایی با طول و گنجایش ثابت برای اندازه‌گیری مقدار فراورده‌های مورد مبادله به کار می‌رفت. بهای همه فراورده‌ها از پیش تعیین می‌شد و مجرمان به تقلب در مقدار یا بهای فراورده، به شدت تنبیه می‌شدند.

بازار دارای دادگاهی بود که دوازده قاضی به‌طور دایم در آنجا حضور داشتند تا بر درستی معاملات نظارت و اختلافات احتمالی را حل کنند. همچنین تعداد زیادی ناظر دولتی برای برقراری امنیت عمومی و کشف تقلب‌های احتمالی در بازار گشت می‌زدند.

اروپاییها پس از بنیاد گذاشتن شهر مکزیکو، دو بازار تازه نیز ایجاد کردند اما هیچیک از آنها به وسعت و شکوه بازار تلاتولکو نرسید که پس از ورود فاتحان اسپانیایی دیری نپایید.